

وسازندگی دختران

● معصومه جمال‌نیک



اشاره

مثبت و منفی یا سازنده و ویران کننده‌اند. اسلام زن را موجودی می‌طلبد آکنده از لطف، مهر و صفایی ملکوتی، دارای روحی سرشار از سرمایه‌های سازنده عاطفی و انسانی، و این حاصل نمی‌شود مگر در سایه پرورش این صفات در او.

فراموش نکنیم که عواطف انسانی در محیط خانوادگی رشد می‌کند و روح کودک را حرارت محیط فطری و طبیعی نرم و ملایم می‌سازد.^(۱) خانواده محبت مورد نظر را به راحتی در اختیارش می‌گذارد؛ همان که در خارج از خانواده میسر نیست. پدر باید با اعمال خود به دخترش ثابت کند که استعدادهایش مورد ستایش اوست و پدر او را دوست می‌دارد.^(۲) آنها که با مسأله تربیت آشنا هستند، خوب می‌دانند که دختران تا چه حد در پی جلب محبت اعضای خانواده، بخصوص پدرند و عطش طلب آنها در این باره تا چه حد است.

تکریم باشند و برخورد والدین و اطرافیان با آنان براساس گرمی و مهر باشد. می‌خواهند به محبت ما مطمئن باشند و طالب نوازش و عدم جدایی‌اند. این ضروری رشد آنهاست و اهمیت آن از جهاتی، کم‌تر از اهمیت غذایی که به آنها می‌دهیم، نیست. این مسأله در تربیت آنها اثر بسزا دارد. همچنین عاملی است برای مصون ماندن روح آنها از تصرف گرسنگان شهوت و وسوسه‌های شوم که در سر راه آنان سد می‌شود. چه خوب است والدین و مربیان به این نکته عنایت داشته باشند.

محبت و نوازش

عواطف دارای دامنه‌ای وسیع و آثار

از مهم‌ترین نیازمندی‌های انسان نیازهای عاطفی است؛ آنچه از آغاز حیات تا پایان عمر با او همراه است. کیست که بخواهد مورد محبت و مهر دیگران نباشد و کیست که جذبه‌های عاطفی پذیرش‌ها یا طردها دلش را نلرزاند و تحت تأثیر قرار نگیرد؟

فرزندان ما در هر مرحله از رشد و در هر سنی که باشند، خواستار آنند که مورد علاقه و



فواید و آثار محبت

محبت به کودک زمینه‌ساز رشد اوست تا آنجا که کودکان بهره‌مند از محبت والدین زودتر به سخن می‌آیند، به راه می‌افتند، زمینه تکامل عقلانی و فکری‌شان پیش‌تر فراهم می‌گردد، افرادی معقول‌تر و آرام‌تر می‌شوند، در رفتار از تعادل بیش‌تری برخوردارند، چهره‌شان بشاش‌تر و بیان‌شان سلیس‌تر و روان‌تر از دیگران است.^(۳) همچنین حالات عاطفی ناشی از رنج‌ها، شادی‌ها، عشق‌ها و کینه‌ها، هر لحظه در تفکر افراد مؤثر است، تا حدی که ممکن است فرد تحت تأثیر امیال و شهوات خود خوشبخت یا بدبخت، مضطرب یا آرام و بشاش یا افسرده باشد.^(۴) ارزش محبتی را که درباره دختران اعمال می‌شود هنگامی می‌توان دریافت که آن را از فرزندان دریغ دارند. در آن صورت، معلوم می‌گردد که ریشه بسیاری از مفاسد و آلودگی‌ها همان کمبود محبت است.

توصیه به مهرورزی

اسلام دین محبت است؛ مذهبی است که به جنبه‌های مهر، صفا و لطف بیشتر دل‌بسته است تا جنبه‌های خشونت‌آمیز، خدای اسلام، رحمان و رحیم است و والدین و مربیان را به اعمال محبت در باره کودکان توصیه می‌کند: «کودکان را دوست بدارید، بر آنان رحمت آورید. اگر به آنان وعده دادید وفا کنید...»^(۵)

اصرار اسلام بر توجه بیش‌تر به دختران است. به فرموده امام رضا علیه السلام، خداوند تبارک و تعالی نسبت به اناث مهربان‌تر از ذکور است.^(۶) و اصرار رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شادمان کردن دختر است؛ می‌فرمایند: «آن‌کس که دخترش را

شادمان کند، چنان است که گویی برده‌ای از نسل اسماعیل پیامبر را آزاد کرده است.»^(۷)

اسلام به بهانه‌های گوناگون می‌کوشد دختران را مورد حمایت قرار دهد و از خشم و غضب والدین و مربیان برکنار دارد. به این روایت توجه کنید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که نام دخترت را فاطمه گذاشتی، دیگر به او دشنام مده، مورد نفرت و لعن قرار نده و او را کتک نزن.»^(۸) و شبیه این سخن از امام حسین علیه السلام است که

فرمودند: «دوست ندارم دختری
سکینه نام باشد و سیلی بخورد».

شیوه‌های اعمال محبت

والدین چگونه می‌توانند به
دختران خود محبت کنند و حد مرز
آن چقدر است؟ باید گفت
شیوه‌های محبت بسیار است؛ از آن
جمله:

- مواجه شدن با دختر با چهره
بشاش که موجب سکون او
می‌گردد.^(۹)

- بسوسیدن و نوازش بدنی
متناسب با سن او از سوی پدر و
مادر؛

- گوش دادن با شکیبایی و
عطوفت به حرف‌های او که خود
سبب پذیرش حرف والدین در
سنین بعدی است.^(۱۰)

- یافتن نقطه‌ای مثبت در
زندگی او و مورد تحسین قرار دادن
آن تا مسرور شود و احساس غرور
کند.^(۱۱)

- تهیه اسباب بازی و بازی با
او؛^(۱۲)

- صدا زدن او به نامی که
خوش تر دارد و اعلام اینکه او مورد
علاقه پدر و مادر است.

- تهیه وسایل مورد نیاز و مورد
علاقه او از جمله: کیف، کفش و
لباس و ...

- نسبت به خرید هدیه برای
کودک در اسلام زیاد تأکید شده
است. رسول خدا ﷺ فرمودند:
«تهیه تحفه از بازار برای اهل منزل
همانند صدقه به سوی قومی است
که شدیداً نیازمندند. هدیه را نیز

نخست باید به دختران بخشید،
سپس به پسران.»^(۱۳)

محبت در سنین و موارد خاص

نیاز به محبت از آغاز حیات در
همه وجود دارد و تا پایان عمر با
انسان همراه است، اما در مواردی
این نیاز ملموس‌تر به نظر می‌رسد و
مربیان باید به آن بیش‌تر توجه کنند،
بویژه درباره دختران:

- در سه سال اول زندگی که
دوران پرستاری است و طفل، خود
را همانند عضوی از پیکر مادر به
حساب می‌آورد، شدیداً به او
وابسته است.

- به هنگام پا گذاشتن فرزند
دیگری در محیط خانواده، کودک
خود را غارت‌زده می‌پندارد و گمان
می‌برد مادر از او گسسته و به
دیگری پیوسته است. بدین سبب،
شعله حسادتش زبانه می‌کشد. در
این حال، تنها محبت بیش‌تر و
عیان‌تر مادر است که شدت
احساس او را تعدیل می‌کند.

- هنگام بیماری و احساس
درد، به هم‌دل و هم‌راز نیازمند
است تا دردش را بفهمد و با
نوازش، دردش را تسکین دهد.

- زمانی که با شکستی مواجه
می‌شود و از درون می‌سوزد و
می‌گیرد، نیاز به دل‌داری و
آرام‌بخشی دارد، بخصوص هنگام
از دست دادن عزیز و محبوبی
همچون پدر یا مادر.

- در سنین نوجوانی و دوران
بلوغ که میل به خودنمایی و جلب
نظر در او قوی است، و می‌خواهد
محبوب دل‌ها باشد.

معمولاً والدین و مربیان پس از
رشد دخترشان تصور می‌کنند که او
بزرگ شده است و دیگر نیازی به
محبت ندارد، در حالی که
بررسی‌های عملی نشان می‌دهد
نیاز به محبت در دوران بلوغ و پس
از آن حتی شدیدتر از دوران کودکی
و خردسالی است.^(۱۴)

نقش و وظیفه مادران در این
مرحله سنگین‌تر از پدران است.
مادر معمولاً، انس بیش‌تری با دختر
دارد و محرم راز اوست.
نوازش‌های او کارساز است، بویژه
نوازش‌های بدنی او که به بهانه‌های
شستشو و استحمام او صورت
می‌گیرد، بدین دلیل، لازم است از
ابتدا، به گونه‌ای لطیف، نسبت به
دختران ابراز محبت اعمال کند. به
گفته پستالوزی پستان مادر
نخستین طغیان لذت‌طلبی جسمی
او را تسکین می‌دهد، محبت ایجاد
می‌کند و او به تبع آن، به
درخواست‌های مادرش خو
می‌گیرد. بدین‌روی، مادر شیردادن
خود را از دختر دریغ ندارد.

عوارض کمبود محبت

برای اینکه با اهمیت اقتناع عاطفی
قدری آشنا شویم، بجاست عوارض
کمبود و نارسایی آن را مورد توجه
قرار دهیم. قبلاً باید متذکر شویم که
غرض از کمبود عاطفی همه آن
چیزهایی است که به احساسات،
محبت، عشق و یا کافی نبودن
محبت مربوط می‌شود.

تحقیقات در این مورد بسیار وسیع
و پر دامنه است و شرح و بررسی
تفصیلی آن دفتری جداگانه



می‌سازد و در سنین بعد، عامل بدبختی او می‌شود؛ همو که در آینده‌ای نزدیک می‌خواهد خود، همسر و مادر فرزندی شود. اطفالی که بیش از اندازه مهر و محبت می‌بینند مستبد و از خود راضی بار می‌آیند، روحی ضعیف و روانی زود رنج پیدا می‌کنند و در برابر کوچک‌ترین ناملایمات، آزرده‌خاطر و ناراحت می‌شوند و در نبردهای زندگی، زود شکست می‌خورند.^(۱۶) صحبت‌های بی‌جا و اغماض‌های بی‌موقع پدران و مادران برخی از اطفال را بی‌حیا، لوس و از خود راضی بار می‌آورد که مایه کمال تأثر و شرمندگی است. با همه نیازی که دختر نسبت به

محبت پدر دارد، این نکته را نیز به عنوان هشدار، باید در نظر داشت که اگر پدر بیش از آنچه که به همسرش محبت می‌کند، به دخترش محبت نماید و او را نازپرورده بار آورد، دختر را به رقابت با مادر برخواد انگیزخت و یا او را در برابر مادرش شرمگین خواهد نمود و در چنان حالتی، زمام اختیار رشد و تربیت او از دست والدین و مربیان خارج می‌شود.

محبت‌ها باید در حد متعادل باشد، نه چندان کم که او به دعوت تملق‌آمیز گرسنه‌شهوئی تن در دهد و با شنیدن چندسخن محبت‌آمیز خود را بیازد و تسلیم سازد و نه چندان زیاد که محبت را پلی برای دست‌یابی به اهداف و مقاصد ناپسند خود قرار دهد. اسلام بدترین والدین را آنهایی می‌داند که در محبت نسبت به فرزندان افراط می‌کنند.^(۱۷)

کودکی، احساس کهنتری، بروز حالت تهاجم، پرخاش و خشونت، بی‌مهری و یا بی‌تفاوتی نسبت به دیگران و تن دادن به انزوا و خیال‌بافی، غم‌خواری، پریشانی و بی‌قراری، رشد کینه‌جویی و انتقام و از همه بدتر، رشد میل به خودنمایی، دل‌قکی، عرضه بدن خود، تن دادن به مفاسد، بزهکاری و حتی جنایت می‌شود و در چنین صورتی است که جامعه از ارزش‌های انسانی تهی می‌گردد.

فطر افراط در محبت

در عین حال، این نکته را نیز نباید ناگفته گذارد که با همه اصراری که در اقناع عاطفی هست، والدین باید از زیاده‌روی و افراط در نوازش نیز پرهیز کنند؛ زیرا زیاده‌روی و افراط در نوازش، کودک را نامتعادل

می‌طلبد. تنها متذکر می‌شویم که طبق بررسی‌های لورنس پرنر، کمبودهای عاطفی چند هفته‌ای زمینه‌ساز ناراحتی‌های گوازشی، سرماخوردگی مداوم، خودداری و تأخیر در به راه افتادن، از دست دادن اشتها نسبت به غذا، خیس کردن خود و بستر، و گاهی مریضی و خوراک، می‌توان محبت را جانشین آن کرد.

بنا به گفته مان، از نظر علمی ثابت شده است که اگر والدین سخت‌گیر و کم‌مهر باشند، کودک اغلب درون‌گرا می‌شود و از جهان واقعی به جهان خیالی رو می‌آورد؛ آنچه را که در زندگی عادی نیافته است، در آنجا جستجو می‌کند.^(۱۵) تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که کمبود محبت زمینه‌ساز بیماری‌های روان‌تنی، پیدایش حالت رجعت به

اعتدال در عاطفه

اعمال عواطف بدان دلیل است که زندگی عادی و حیات روانی کودک تحت نظم و ضابطه‌ای درآید و او را به سعادت و خوشبختی برساند. اما به گفته عالمی، کودک لوس ناتوان‌تر از آن است که بتواند در زندگی به خوشبختی برسد؛ او پیوسته در یک جهان خیالی و نامتعادل به سر می‌برد و تا دم مرگ می‌پندارد یک لبخند کوچک، یا یک ابراز محبت باید دیگری را تحریک کند.

تحقیقات علمی^(۱۸) ثابت کرده است که زیاد بوده‌اند افرادی که مورد محبت بسیار بوده‌اند و نازپرورده شده‌اند، ولی در دوران رشد، لوس و دردانه بار آمده‌اند و یا افرادی که مورد سخت‌گیری زیاد قرار گرفته‌اند، و دائماً خشونت دیده و توهین شده‌اند و در زندگی خانوادگی همیشه مأمور به سکوت بوده‌اند، ولی بعدها وضع و حالی عادی نداشته‌اند و اغلب دچار احساس کهنتری و نابسامانی در رفتار بوده‌اند.

دختران باید در کنار امیدواری به عنایت و لطف والدین، به گونه‌ای بار ببایند که رعایت اعتدال و توازن برایشان یک اصل باشد. اقتناع عاطفی مانع آن نیست که آنان از عمل ناروای خود بیم داشته و ترس از مجازات در حین تخلف، سقوط و انحطاط آنها را به دنبال نداشته باشد. در غیر این صورت، خطر برای آنان او حتمی و سقوطشان قطعی است.^(۱۹)

در محیط زندگی فرزندان، باید عدالت و قانون، مهر و قهر، و محبت و حساب‌رسی توأم باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدتقی فسنی، گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۲.
- ۲- پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ص ۲۰۳.
- ۳- عی اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۸.
- ۴- آلکسی کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۴، ص ۲۱.
- ۵- محمد بن عی بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۱.
- ۶- «وَاللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی عَنِ الْاَنَاثِ اَرْقُ عَنِ الذَّكَوْرَةِ»، رضی‌الدین طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۲.
- ۷- آلکسی کارل، همان، ص ۱۲۱.
- ۸- «وَالْمَا اِذَا سَمِعَتْهَا فَاطِمَةُ فَلَا تَسْتَهْأِ وَلَا تَقْهَأِ وَلَا تَضْرِبْهَا»، پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ص ۱۲۴.
- ۹- محمدتقی فسنی، همان، ج ۲، ص ۳۴۲.
- ۱۰- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، بیروت، اعمی، ۱۹۷۲م.
- ۱۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۱۰، ص ۹۴.
- ۱۲- خانواده و نیاز مبتدی کودکان، فصل محبت.
- ۱۳- «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى مَخْطِئًا اِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةَ اِلَى قَوْمٍ مَخَاطِئِهِ فَبُيِّدَ بِاَلَاثَاتِ قَبْلَ الذَّكَوْرِ زَانُ شَانُو، مریبان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۳۲.
- ۱۴- دنیای شیرین بچه‌داری، ص ۳۹۶.
- ۱۵- سی‌رمان چنهایانی، روانشناسی، ص ۱۵۷.
- ۱۶- محمدتقی فسنی، همان، ج ۲، ص ۲۲۵.
- ۱۷- «وَشَرُّ الْاِبَاءِ مَنْ دَعَا الْبْتَ اِلَى الْاِفْرَاطِ»، حسن بن شعبه حرانی، همان.
- ۱۸- مادر و فرزندان ما، ص ۴۹.
- ۱۹- در تربیت مراسم، ص ۶۹.
- ۲۰- محمد سمعی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۹۸.
- ۲۱- یعقوب کبکی، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، مسجد، بی‌نا، ج ۶، ص ۵۱.

وقتی روح او آرام می‌گیرد که خوف بی حساب از زورگویی‌های والدین و مریبان در او نباشد. تربیت، چشم واقع بین می‌خواهد و عقل و هوشیاری. محبت‌های نیندیشیده، صفای زندگی فرزندان را از بین می‌برد و آینده‌شان را تیره می‌سازد. در زمینه اقتناع عاطفی دختران، باید والدین و مریبان به نکاتی توجه کنند؛ برخی از آنها بدین قرار است:

- از توهین و تمسخر آنها در حضور دیگران به هر علت و شکل که باشد باید برحذر بود.

- از سخنان و کلمات زشت

باید اجتناب نمود که زمینه‌ساز

تیرگی دل است.^(۲۰)

- از تنبیه بدنی آنان تا حد امکان

باید اجتناب کرد؛ زیرا دختر امروز

مادر فرداست. نباید غرور و

احساس مادری جریحه‌دار شود.

- نباید بر آنان غضب کرد؛ چون

این کار خدا را به غضب می‌آورد.^(۲۱)

- نگذاریم ترس از خشونت

والدین، ترس از گناه ناکرده، ترس از

ازدواج و تشکیل خانواده، ترس از

شرایط زندگی در آنها رشد یابد.

- توبیخ‌ها و سرزنش‌های مکرر

دختران زیان‌بخش است و گاهی سبب

پررویی و پرده‌داری آنها می‌شود.

بها همه علاقه‌ای که به محبت کردن

به او داریم، باید از وابسته کردن او

بپرهیزیم؛ زیرا خطرآفرین است. و

درست نیست دختر با علاقه‌ای که

به مادر دارد - بخصوص در سنین

نوجوانی - به او شدیداً وابسته

باشد. این حالت، عدم موفقیت او

را در زندگی زناشویی به همراه

دارد.